



سپاهی دانشگاه مطهری

دکتر فاضلی فاشوری
استاد دانشگاه آزاد اسلامی - واحد خلیف آباد

مقدمه

از آنجا که به اعتقاد نگارنده ، شهید مطهری رحمته الله علیه یکی از بزرگترین متخصصان علوم اسلامی در عصر حاضر است که با جامعیت علمی و عملی ای که داشت در بسیاری از دانش‌های اسلامی و مباحث دینی متخصص و صاحب نظر بوده است، به جدّ بر این باور است که اولاً با تأسف فراوان شخصیت بی نظیر آن شهید فرزانه آن گونه که باید شناخته نشده ، و علی‌رغم اقبال فراوان جامعه به آثار فراوان و پر بار و سرشار از معنویت آن شهید بزرگوار و آشنایی اجمالی و مختصری که عموم مردم با زندگی و حیات پر ثمر ایشان دارند؛ ولی هنوز که نزدیک به سه دهه از شهادت خون بار وی می گذرد آنچنان که شایسته آن شهید سعید است شأن و شخصیت ایشان جایگاه واقعی خویش را در مراکز حوزه و محافل دانشگاهی پیدا نکرده است .

ثانیاً مباحثی که استاد در آثار فراوان خود مطرح فرموده، علاوه بر تنوع و تکثیر در موضوعات ، از آنچنان عمق و ژرفایی برخوردار است که حتی امروز هم که

شاید حدود نیم قرن از نگارش برخی از آثارش می‌گذرد، همچنان با طراوات و جدید، و بعضاً ابتکاری و تازه هست که گویا همین دیروز برای حل مشکل امروز جامعه ما به نگارش در آمده است.

شاید برخی این عقیده را حمل بر غلو و مبالغه نمایند، ولی از آنجا که نگارنده سال هاست که آثار استاد را از زوایای مختلف و موضوعات متعدد مورد بررسی قرار داده است با اعتقاد راسخ بر این عقیده پا می‌فشارد و به جد بر این باور است که حتی اگر کتاب‌های استاد در دانشگاه‌ها تدریس شود، و کرسی‌های بحث بررسی پیرامون نظریات استاد در حوزه و دانشگاه تشکیل گردد و نظریه‌های علمی استاد در بسیاری از موضوعات تدوین شود، کاری است بسیار شایسته که جای چنین مباحثی متأسفانه فعلاً خالی است. و اگر گفته شود در رشته‌های الهیات، گرایش با عنوان "مطهری پژوهی" باید تأسیس شود، یا لاقلاً آرا و اندیشه‌های سراسر قرآنی آن شهید بزرگوار که تماماً تحت تأثیر اندیشه‌های ناب و بکر و بدیع اساتید بزرگوار ایشان همچون امام خمینی و علامه طباطبایی است، باید در دوره‌های کارشناسی ارشد رشته‌های الهیات مورد بحث و بررسی و احیاناً نقد و نظر قرار گیرد سخنی به گزاف گفته نشده است.

از آنجا که نگارنده به شدت تحت تأثیر اندیشه‌های این سه بزرگوار در دوران معاصر یعنی امام خمینی ره، علامه طباطبایی ره و شهید مطهری ره قرار دارد سعی نموده است بیشترین تلاش‌های علمی خویش را در بحث و پژوهش پیرامون زندگی و حیات طیبه این بزرگواران و نیز بررسی دیدگاه‌های قرآنی و حدیثی آنان مصروف دارد که حاصل این تلاش‌ها، نگارش مقالات متعدد و کتبی چند در این زمینه بوده است.

برمبنای چنین تفکری است که با قاطعیت تمام بر این باور است که باید در دانشکده‌های الهیات؛ رشته‌ها یا گرایش‌هایی تحت عناوین: «خمینی پژوهی»، «المیزان پژوهی و مطهری پژوهی و ...» دایر شود، تا علاوه بر آراء و اندیشه‌های اجتماعی این دانشمندان، پاره‌ای افکار و عقاید قرآنی و حدیثی آنان نیز مورد بحث قرار گیرد و دیدگاه‌های اصلاحی این بزرگواران مورد بررسی و

ارزیابی قرار گرفته به صورت دستور العمل هایی به جامعه جوان امروز و نسل حاضر معرفی گردد.

یکی از مباحثی که در آثار استاد شهید قابل بحث و پی گیری است ، موضوع این مقاله ، یعنی «سیمای نورانی و ملکوتی پیامبر اعظم ﷺ» از نگاه آن شهید فرزانه است؛ که نه تنها از جنبه علمی و نظری مورد بحث فراوان ایشان بوده است؛ بلکه از جهات عملی نیز به شدت مورد توجه ایشان بوده و در زندگی شخصی استاد نیز تأثیر بسیاری داشته است.

نگارنده بسیار علاقه مند بوده و هست که به بهانه سال جاری که از سوی رهبر فرزانه انقلاب به نام سال پیامبر اعظم ﷺ نامگذاری شده ، از این زاویه به بررسی آثار فراوان استاد بپردازد که اگر چه تا کنون موفق به انجام کامل آن نشده است؛ ولی در نظر دارد این بحث را در یک طرح گسترده تر دیگری به انجام برساند، که تحت عنوان "سیمای پیامبر اعظم ﷺ در قرآن و حدیث" ، با همت و حمایت معاونت محترم پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد در دست اقدام دارد و در نظر است تا به خواست خدای متعال علاوه بر معرفی شخصیت نورانی پیامبر ﷺ در قرآن و حدیث، از اندیشه های تاریخ نگاران سده های نخستین اسلام، نظیر طبری، یعقوبی ، مسعودی و غیره نیز استفاده کند و آرای بزرگان معاصر همچون امام خمینی، علامه طباطبایی و شهید مطهری را که در بسیاری موارد، فصل الخطاب پاره ای منازعات است در این طرح بیاورد.

آنچه در مجال کنونی مد نظر است بررسی اجمالی دیدگاه شهید مطهری در این زمینه است که شاید صرفاً فتح بابی در بحث مورد نظر باشد، تا پژوهشگران علاقمند به تحقیقات عمیق تر و گسترده تری در این باره بپردازند.

❁ مطهری و سیره نبوی:

شاید بسیار از مشتاقان آثار فراوان استاد، و نیز برخی علاقه مندان شخصیت بزرگوار شهید مطهری ، با مشاهده عنوان فوق، بلافاصله کتاب کوچک و

کم حجم، اما بسیار عمیق و پر محتوای ایشان یعنی "سیری در سیره ی نبوی" را در ذهن تداعی کنند و فوراً چنین داوری نمایند که استاد هر چه را که می‌خواسته در این زمینه مطرح نماید در این کتاب مذکور آورده است؛ به گونه‌ای که گویا در دیگر آثارش در این باره مطلبی بیان نفرموده است. در حالیکه واقعیت خلاف این دیدگاه است و ایشان در آثار و نوشته‌های خویش اعم از آنها که به صورت سخنرانی القاء شده، یا آنهایی که به صورت یادداشت یا دست نوشته‌ها و حواشی و پاورقی‌هایی که مرقوم فرموده و به تدریج در حال انتشار است؛ مباحث بسیار را در این زمینه مطرح نموده که گردآوری و تدوین همه آن مباحث قطعاً بر یک جلد کتاب پر حجم و قطور بالغ خواهد شد، که نگارنده امیدوار است به انجام چنین اقدامی موفق شود. چرا که معتقد است جمع آوری و دسته بندی و تنظیم درست این مطالب و عرضه مطلوب آن به نسل حاضر یکی از بهترین اقدامات در زمینه معرفی شخصیت پیامبر بزرگوار اسلام است؛ که با تأسف فراوان مورد هجوم همه جانبه‌ی دشمنان قسم خورده آن پیامبر رحمت و پیام آور صلح و دوستی قرار گرفته است.

استاد شهید، شاید با پیش‌بینی چنین روزهایی، یکی از فعالیت‌های مهم علمی خویش را معرفی چهره تابناک پیامبر ﷺ و بررسی سیره‌ی رفتاری آن حضرت قرار داد و چنانکه خود به یکی از دوستان و همفکرانش گفته بود، چندین هزار فیش در این زمینه تهیه کرده بود.

استاد علامه، محمد رضا حکیمی که از دوستان نزدیک و همشهری استاد شهید است و سال‌های سال با استاد همفکر و همراه بوده است، در مقاله مفصلی که در معرفی ابعاد متعدد شخصیت شهید مطهری فراهم نموده و ذیل عنوان "آفاق برون حوزه‌ای شهید مطهری" منتشر شده در این باره می‌نویسد: "تا آنجا که به یاد دارم می‌فرمود: «من درباره زندگی و سیره ی پیامبر ﷺ چند هزار فیش و یادداشت جمع کرده‌ام...»"^(۱)

از آنجا که استاد مطهری، به پیامبر اکرم ﷺ عاشقانه ارادت داشت و به شدت تحت تأثیر جاذبه معنوی شخصیت حضرت رسول اکرم ﷺ قرار داشت،

بر این باور بود که:

"اگر کسی بخواهد زندگانی پیامبر صلی الله علیه و آله را مورد مطالعه قرار دهد، باید تمام دوره های این زندگانی را مورد دقت و تحلیل قرار دهد. سراسر زندگانی پیامبر اعجاز و تربیت است و باید همه در ارتباط با هم مورد مطالعه قرار گیرد. زندگانی پیامبر صلی الله علیه و آله ۶۳ سال است و این ۶۳ سال یک واحد است. من اگر موفق شوم، زندگی پیامبر را زیر عنوان «۶۳ سال» خواهم نوشت."^(۲)

اگر چه با تأسف فراوان، استاد موفق نشد تا اثر جاودانه ی را که می خواست درباره عظمت شخصیت پیامبر صلی الله علیه و آله ذیل عنوان «۶۳ سال» تدوین کند، به نگارش درآورد؛ ولی باید خدا را شاکر بود که بسیاری از مباحث مربوطه به این موضوع در آثار فراوان استاد مطرح شده است، به ویژه در کتاب ارزشمند "سیری در سیره ی نبوی"، و باقی دست نوشته ها و یادداشتهای استاد به همت والای "شورای نظارت بر نشر آثار شهید مطهری" که زیر نظر مستقیم فرزند برومند استاد یعنی «دکتر علی مطهری» اداره می شود، درحال انتشار است؛ که برای این عزیزان در ادامه مسیر پر ثمری که در پیش گرفته اند از خدای متعال توفیق روز افزون و موقعیت های چشمگیر را آرزو داریم.

به هر صورت، یکی از مهمترین زمینه های پژوهش استاد به بررسی شخصیت پیامبر صلی الله علیه و آله و معرفی سیره و رفتار آن حضرت مربوط می شود که مطالب بسیار و مباحث متنوع زیادی را شامل می گردد، که بی اغراق بعضاً نو و ابتکاری هستند و تنها از فردی همانند شهید مطهری انجام چنین نوآوریهای بر می آید.

استاد در مقدمه کتاب «سیری در سیره ی نبوی» می فرماید: "چند سال پیش من فکر کردم که در زمینه سیره ی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله کتابی بنویسم به همین سبکی که عرض خواهم کرد. مقدار زیادی یادداشت تهیه کردم، ولی هر چه جلوتر رفتم، دیدم مثل این است که دارم وارد دریایی می شوم که به تدریج عمیق تر می شود. البته صرف نظر نکردم و می دانم که نمی توانم ادعا کنم که می توانم سیره پیغمبر را بنویسم ولی «ما لایدرک کله لایترک کله» بالاخره تصمیم دارم به حول و قوه

الهی روزی چیزی در این زمینه بنویسم تا بعد دیگران بیایند بهترش را بنویسند" (۳)

چنانکه اشاره شد، اگر چه متأسفانه چنین خواست، صورت عملی به خود نگرفت و شب پرستان کور دل به استاد اجازه ندادند تا آنچه را که علاقمند بود به انجام برساند؛ ولی همان گونه که ناشر این اثر وعده می دهد، جای بسی خوشبختی است که "درباره سیره نبوی یادداشت‌های زیادی از ایشان موجود است و این یادداشتها به فضل خدا، جهت استفاده محققین در سلسله یادداشت‌های استاد منتشر خواهد شد" (۴)

ما نیز امیدوار و بی صبرانه در انتظاریم تا شورای محترم نظارت بر نشر آثار شهید مطهری، وعده‌ای را که سالها پیش داده است به انجام برساند و اگر چه یادداشت‌هایی را که بر اساس حروف الفبا به وسیله استاد تنظیم شده بود، در هفت مجله منتشر ساخت و ظاهراً جداول یادداشت‌های موضوعی استاد را هم انتشار داده است، اما با توجه به اهمیت موضوع پیامبر ﷺ در حال حاضر، و نامگذاری امسال به نام مبارک پیامبر ﷺ، و نیز توطئه‌های رنگارنگ و متعدد دشمنان اسلام و پیامبر ﷺ امید می رود شورای نظارت بر نشر آثار استاد، این بخش از یادداشت‌های ایشان را در اولویت دستور کار خویش قرار دهد و در سال جاری به مشتاقان و علاقه‌مندان ارائه نمایند.

لازم به یاد آوری است که فهرست کاملی از مباحث و موضوعات «سیری در سیره نبوی و رسول اکرم ﷺ» در جداول یادنامه استاد آمده است. که از جمله در آن چنین می خوانیم:

"این یادداشت‌های [مربوط به سیره نبوی] در مجموع ۴۹۹ صفحه به قطع دفتر چه بغلی است" (۵) آنگاه به تفصیل به ذکر عناوین موضوعات می پردازد. (۶)

سپس به یادداشت‌های تاریخ انبیاء به طور عموم و تاریخ پیامبر ﷺ به طور اخص اشاره نموده و زیر تیتزهایی را در ذیل عنوان "رسول اکرم ﷺ" نام می برد، که آن نیز بیش از چهارصد صفحه می شود. (۷) حدود ۵۸۰ صفحه

مطلوب می شود، نام می برد^(۸) که امید است هرچه زودتر این مباحث در اختیار علاقه‌مندان قرار گیرد.



✽ مطهری و انگیزه نگارش سیره ی نبوی :

همان گونه که اشاره شد ، شهیدمطهری به دلیل عشق وافرش به پیامبر اسلام ﷺ و ارادت فوق‌العاده ای که به شخصیت ملکوتی آن حضرت داشت ، که در صفحات بعد مختصراً به آن اشاره خواهد شد، اقدام به تدوین و تهیه یادداشت‌هایی در زمینه سیره پیامبر ﷺ نمود؛ ولی یک عامل دیگری هم در این اقدام مؤثر بود که آن را نیز نباید از نظر دور داشت، چرا که حاکی از حضور عینی و مستمر و دائمی ایشان در متن جامعه و دغدغه خاطر همیشگی ایشان در حل معضلات و مشکلات جامعه بود.

این واقعیتی است که از خود شهید نیز نقل شده است که فرمود: « من هنوز نتوانستم آنچه را که خود مایل بودم و علاقه داشتم انجام دهم، به انجام رسانم، بلکه هرچه تا کنون اقدام نمودم مسایلی بوده است که فضای جامعه و نیازهای جوانان برمن تحمیل نموده است.»

عبارت استاد در این زمینه چنین است: « این بنده از حدود بیست سال پیش که قلم به دست گرفته و مقاله یا کتاب، نوشته‌ام . تنها چیزی که در همه نوشته‌هایم آن را هدف قرار داده ام حل مشکلات و پاسخ گوئی، به سؤالاتی است که در زمینه مسائل اسلامی در عصر ما مطرح است.»^(۸)

به نظر می‌رسد در خصوص تهیه یادداشتهایی در زمینه سیره نبوی و شخصیت پیامبر ﷺ نیز علاوه بر عشق و علاقه درونی، این عامل هم تأثیر به‌سزایی داشته است، " زیرا در آن سالها کتابی به عنوان گفت‌وگو درباره زندگانی پیامبر، از سوی ایادی خائن تهیه و تألیف شده بود و در دسترس برخی قرار گرفته بود، نوشته‌ای باطل و کتابی مبتنی بر افتراء در وقایع، تقطیع در نقل، تحریف در متن و خیانت و تدلیس در عرضه و

«شهادت مطهری» چون مؤمنی متعهد، از آن کتاب اطلاع یافته بود و به موارد نقص و خیانت آن کتاب و اغراض ساواک از تهیه و پخش آن پی برده بود. از این رو، می‌خواست با کاری جامع، جلو این گونه نغمه‌های شوم را که گاه‌گاه از سوی بی‌خبری مستشرقان یهودی و مسیحی و دیگر ایادی خیانت و فجور جاسوسی و ظلال داخلی در کشور های اسلامی در افکنده می‌شود، یکباره بگیرد.

در همان ایام درصدد بود تا از چند تن دیگر از صاحب نظران نیز بخواهد که در پاسخ آن یاوه‌های مرموز، تقطیع‌های مزورانه (که بر خوانندگان بی‌اطلاع پوشیده می‌ماند)، دروغ‌های تاریخی بزرگ، به هم اندازه‌های طرآرانه و تصویرگریهای کاذب قلم، کتابی بنویسند. او کسانی چند را نام می‌برد. از جمله آقای دکتر سید جعفر شهیدی و مرحوم دکتر علی شریعتی. می‌گفت اینان می‌توانند آثار سوء این نوشته مزورانه و مرموز را خنثی کنند. (۱۰)

چنانکه مشاهده می‌شود، ضرورت پاسخگویی به یاوه سراییهای برخی ایادی ساواک سبب شد که استاد به فکر نگارش کتابی در زمینه زندگانی و سیره پیامبر اکرم ﷺ باشد. و شاید دقیقاً بر همین اساس باشد که ایشان عقیده دارند علیرغم اینکه "یکی از منابع شناخت؛ از نظر اسلام، سیره اولیا و پیشوایان اسلام از شخص پیغمبر اکرم تا ائمه اطهار و به عبارت دیگر سیره معصومین است" (۱۱)

و علی‌رغم اینکه "یکی از منابع شناخت که یک نفر مسلمان باید دید و بینش خود را از آن راه اصلاح و تکمیل کند، سیره وجود مقدس پیغمبر اکرم ﷺ است" (۱۲)؛ ولی با این همه، به جَد بر این باور است که "ماظلمی نظیر ظلمی که در مورد قرآن

کرده ایم در مورد سیره پیغمبر وائمه اطهار نیز کرده ایم^(۱۳) و ایشان بارها و با اظهار تأسف از این قضیه یاد کرده از جمله می فرماید:

"ما نمی توانیم از این اظهار تأسف درباره خودمان خوداری بکنیم که ما که اُمّت پیغمبر آخر الزمان هستیم، از هر کداممان اگر بپرسند، چند تا سخن از پیغمبر بلدیم - حتی لفظش را هم بلد نیستیم، چه برسد به معنی و تفسیرش - و نه از سیره و رفتار پیغمبر می توانیم چند کلمه بگوییم"^(۱۴).

شاید بی مناسبت نباشد نکته ای را که استاد شهید در این زمینه مطرح فرموده، از بیان محقق دیگری نیز بشنویم که با دنیایی از غم و اندوه می نویسد:

"یکی از مسایل غم انگیز این است که در زبان فارسی صدها کتاب در موضوعات مذهبی کم داریم و نداریم. موضوعاتی که نداشتن کتاب خوب درباره ی آنها، مایه ی تأسف فراوان و زیانهای بزرگ است.

آیا تأسف بار نیست که در زبان فارسی، چند زندگینامه تحلیلی و سیره ی تحقیقی و خوش قلم و مستند، در سطوح متفاوت، درباره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نداشته باشیم؟ زندگی پیامبر اکرم که خود بزرگ ترین عامل سازنده و مکتب تربیت و چشمه ی حیات عقلی، اخلاقی، روحی، تربیتی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، اداری و نظامی است؛ و عظیم ترین نمونه و اسوه است، ﴿وَلَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾.

شهید مطهری از جمله به اهمیت این موضوع به نیکی پی برده بود و در قصد نگارش «سیره ی نبوی» بود. سیره ای جامع و روشن و تحقیقی و آموزنده و درست و پیداست که اگر مردی چون او، دست به تحقیقات متنی و تاریخی، تطبیق و مقایسه، دریافت و استناد، رفع ابهام ورد اتهام می زد، چگونه اثری پدید می آورد!^(۱۵)

البته نباید از این واقعیت نیز چشم پوشید که گلایه ها و درد دل های این بزرگان بیشتر به دوران طاغوت یا اوایل نهضت بر می گردد، که اساساً زمینه ای برای چنین اقداماتی وجود نداشت. ولی پس از پیروزی شکوهمند انقلاب، تلاشهای فراوانی در این عرصه صورت گرفت و آثار نسبتاً زیاد و تا حدودی قابل قبول به

جامعه عرضه شد و اگر چه همچنان آن نیاز و ضرورت یا خلأهایی که استاد شهید یا دیگران مطرح فرمودند به قوت خود باقی است؛ اما نمی توان از آنچه تا کنون انجام شده به راحتی چشم پوشید.

البته باید امیدوار بود تا به برکت سال جاری که به نام مبارک پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله مژین شده است، این هشدارهای دلسوزانه بزرگان حوزه پژوهش های دینی با جدیت بیشتری دنبال شود و آثار و نتایج پر ثمر آن به نسل جدید و جوانان مشتاق و جویای معنویت عرضه گردد.

❁ شهید مطهری و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

اگر چه ممکن است عنوان فوق در وادی امر تا حدودی شگفت و عجیب به نظر آید؛ ولی با اندک تأمل و دقت روشن خواهد شد که مراد از آن، عبارت است از نقش و تأثیر شخصیت پیامبر صلی الله علیه و آله در زندگی شخصی و حیات طبیسه و معنوی شهید مطهری .

آنچه تا کنون به اجمال مطرح شد بر محور این اصل استوار است که دیدگاه استاد شهید درباره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چیست؟ و ایشان آن حضرت را چگونه ترسیم می کنند؟ و اوصاف و سجایای پیامبر صلی الله علیه و آله را چگونه معرفی می کنند؟ و به عبارت دیگر، از جنبه نظری چه تصور و برداشتی از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله دارند؟

اما آنچه در این بخش مد نظر است، این است که از جنبه عملی، شخصیت پیامبر چقدر در وجود شهید مطهری تأثیر گذار بوده است و در بین معصومان که مطهری به همه آنان ارادت فوق العاده ای داشت جایگاه نبی مکرّم اسلام صلی الله علیه و آله در کجاست؟

واقعیت این است که استاد شهید "به صورتی آگاهانه و عارفانه به شخصیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عشق می ورزید . تأمل در شخصیت و عظمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در نزد بسیاری مورد غفلت است. یکی از علّت های این امر، مقام عظیم الشان ، جهت نَفْسُ الرَّحْمَانِ و هویت باطنه آن حضرت است و این مقام به تعبیری و تشبیهی

چونان خورشید است، که کمتر چشمانی قدرت توجّه به آن را دارد... و شهید مطهری از این توفیق و فیض به مقداری قابل توجّه، برخوردار بود و به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله توجهی خاص داشت" (۱۶)

شاید درباره دلدادگی و شیفتگی استاد شهید به شخصیت آسمانی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله هیچ کس مانند همسر بزرگوار استاد نتواند کلام را بر زبان آورد، از این رو، چه خوب است که سخن را از بیان ایشان پی بگیریم که در این باره می گوید: "ایشان وقتی خیلی ناراحت و دچار مشکل بزرگی می شدند، اغلب حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله را به خواب می دیدند و خودحضرت مشکل آقا را حل می کرد. چند شب پیش از شهادت آقا، خواب بودیم که ناگهان ایشان با حالات بسیار خاصی از خواب پریدند.

از ایشان پرسیدم: چه شده؟ گفتند: الآن خواب دیدم که من و آقای خمینی در خانه کعبه مشغول طواف بودیم که ناگهان متوجّه شدم حضرت رسول صلی الله علیه و آله به سرعت به من نزدیک می شوند. همین طور که حضرت نزدیک می شدند برای اینکه به آقای خمینی رحمته الله علیه بی احترامی نکرده باشم، خودم را کنار کشیدم و به آقای خمینی اشاره کردم و گفتم: یا رسول الله! آقا از اولاد شما هستند. حضرت رسول صلی الله علیه و آله به آقای خمینی نزدیک شدند و با ایشان روبوسی کردند و بعد به من نزدیک شدند و با من روبوسی کردند و بعد لبهایش را بر روی لبهای من گذاشتند و دیگر بر نداشتند و من از شدت شغف از خواب پریدم به طوری که داغی لبهای حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله را روی لبهایم هنوز حس می کنم.

بعد آقا کمی سکوت کردند و گفتند من مطمئن هستم که عن قریب اتفاق مهمی برای من رخ می دهد. من گفتم نه، ان شاء الله، حضرت رسول صلی الله علیه و آله گفته ها و نوشته های شما را تأیید کرده است" (۱۷)

(نیز بنگرید: سیری در زندگانی استاد مطهری، ص ۱۷۵؛ سیمای استاد در آئینه نگاه یاران، ص ۸۲؛ مصلح بیدار، ۲/۲۵۲ و ۲/۴۳ و ۴۰۲؛ مطهری، مطهر اندیشه ها، ۲/۶۵۷.)

آری، نتیجه ارادت خالصانه استاد به پیشگاه مقدس پیامبر رحمت جز این هم نباید باشد. و آیا حقیقتاً مقامی بالاتر از این قابل تصور می‌تواند باشد؟ و آیا به واقع جایگاهی برتر و رفیع‌تر از این، در وهم می‌تواند بگنجد؟ این چنین مقام و آن چنان موقعیتی حاصل نمی‌شود مگر اینکه آدمی علاوه بر مرحله فکر و نظر که کار چندان سخت و دشواری هم نیست در مرحله فعل و عمل نیز به لوازم عقیده خویش و آنچه را که فکر می‌کند و در نظر دارد، هم پای بند باشد و شخصیت معنوی پیامبر ﷺ بیشترین تأثیر و بالاترین نقش را در زندگی فردی و اجتماعی وی داشته باشد.

شهید مطهری با تمام وجود این گونه بود و رابطه روحی و قلبی عمیقی با پیامبر ﷺ داشت که با تأسف فراوان بسیاری از این ارتباط معنوی بر ما پوشیده و پنهان ماند. و آنچه را که همسر بزرگوار استاد نقل کرده باید به مصداق مشت نمونه خروار تلقی کرد.

البته طبیعی هم هست که این گونه باشد و کسانی که در چنان مقامی قرار دارند هرگز حاضر نمی‌شوند یافته‌های معنوی خویش را به راحتی بر زبان آورده برای دیگران بازگو کنند. حتی در یک جایی که استاد خواست اشاره‌ای به یکی از این دریافتهای معنوی خویش نماید، خیلی زود منصرف شد و از بیان مفصل مطلب چشم پوشید.

مثلاً در بحث "قوت روحی و جسمی پیامبر ﷺ" که در کتاب "انسان کامل" آمده توصیف شکل ظاهر و قوت باطن پیامبر ﷺ مطالبی را مطرح نموده در ادامه می‌فرماید: "حدود هشت سال پیش که برای اولین بار به مکه مشرف شدم [این خاطره به سال ۱۳۴۵ شمسی مربوط است] خوابی در مکه دیدم که خیلی عجیب بود. در آنجا از پشت سر که پیغمبر اکرم را مشاهده کردم، اندام عجیبی دیدم و در عالم خواب به یاد جمله امیر المؤمنین علیه السلام افتادم. گفتم بی جهت نیست که علی علیه السلام می‌فرماید: و کنا اذا احمر البأس اتقینا برسول الله صلی الله علیه و آله [وقتی که در جنگ شرایط بر ما سخت می‌شد به پیامبر پناهنده می‌شدیم]" (۱۸)

هزاران افسوس و دریغ که استاد، خواب خویش را به تفصیل ذکر نمی کند ولی پیداست که می‌خواهد بگوید در عالم رؤیا در مگه مکرمه خدمت پیامبر عظیم الشان مشرف شد و موقعی حضرت را از پشت سر مشاهده کرد، اندام رشید و قوی‌ای را مشاهده کرد که صلابت و هیبت و عظمت و شکوه و جلالش دلها را تسخیر کرده، به لرزه در می آورد. طوبی له و حسن مآب.

اکنون که دامنه سخن به اینجا رسید، خوب است که در پایان این بحث به نکته دیگری که همسر مکرمه استاد شهید در مصاحبه خویش آورده است اشاره کنیم که می‌گوید: « ما پس از اطلاع از شهادت استاد و بعد از اینکه به بیمارستان رفتیم، حدود ساعت یک نیمه شب به خانه برگشتیم. در همین موقع تلفن زنگ زد. وقتی گوش تلفن را برداشتم یکی از عرفا که دوست آقا بودند، پشت خط بودند. ایشان از حال آقای مطهری پرسیدند. گفتم ترور شده اند.

خیلی ناراحت و منقلب شدند. گفتند: الان خانمی از شاگردان بنده تلفن کردند و گفتند ساعت یازده شب خواب دیده اند که یک قبر سبز را به ایشان نشان می دهند و می‌گویند اینجا را زیارت کنید. آن خانم می پرسند این قبر کیست؟ می‌گویند قبر امام حسین علیه السلام است. بعد از یک قبر سبز دیگر را نشان می دهند و می‌گویند این قبر را هم زیارت کنید. می پرسند این قبر کیست؟ می‌گویند قبر آقای مطهری است.

بعد ایشان را عروج می دهند و به جای وسیعی می برند در آنجا، تخت نورانی را نشان می دهند که بسیار زیاد بوده و عده ای دورش می گشته و صلوات می فرستاده و می گفته اند: این جای اولیاء الله است. در همین وقت، آقای مطهری وارد می شوند و روی آن تخت می نشینند. این خانم نزدیک می شوند و می‌گویند شما اینجا چه کار می کنید؟ آقا می‌گویند من الآن وارد شده ام. من از خدا یک مقام عالی می‌خواستم ولی خدا یک مقام متعالی به من عنایت فرمود. بعد این خانم از خواب می پرند. معلوم شد که این خواب درست در زمانی که آقای مطهری ترور شده بود، دیده شده است. ^(۱۸)

روشن است برای کسی که یک عمر ، خالصانه در راه خدا گام بر می‌دارد ، جز این، پاداشی متصور نیست. خداوند روح بلند و ملکوتی استاد شهید را با انبیاء و اولیاء محشور بگرداند !

والسلام

❁ کتابنامه

- ۱- سیری در سیره نبوی، شهید مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، چ ۱۲، تهران، ۱۳۷۳.
- ۲- عدل الهی، شهید مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، چ ۲۳، تهران، ۱۳۸۴.
- ۳- مطهری، مطهر اندیشه‌ها، سید محمد حسین واثقی راد، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چ ۱، قم، ۱۳۶۴.
- ۴- انسان کامل، مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، چ ۱۴، تهران، ۱۳۷۵.
- ۵- شهید مطهری، محمد خردمند، شرکت چاپ و نشر بین الملل، تهران، ۱۳۸۰.
- ۶- جلوه های معلمی استاد، مجموعه مقالات، وزارت آموزش و پرورش، چ ۱، تهران، ۱۳۶۴.
- ۷- مصلح بیدار، سید محمد حسین واثقی، انتشارات صدرا، چ ۱، تهران، ۱۳۷۸.
- ۸- مجله حوزه، مجموعه مقالات، شماره ۹۱، فروردین واردیبهشت ۱۳۷۸، قم.
- ۹- پاره ای از خورشید، حمیدرضا سید ناصری، امیر رضا ستوده، مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر، چ ۱، تهران، ۱۳۷۸.
- ۱۰- سیری در زندگانی استاد مطهری، جمعی از نویسندگان، انتشارات صدرا، چ ۶، تهران، ۱۳۷۹.
- ۱۱- یادنامه شهید مطهری، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چ ۱، تهران، ۱۳۶۰.

پی نوشتها :

- (۱) مجله حوزه، ش ۹۱، ص ۸۴
- (۲) همان، ص ۸۵
- (۳) سیری در سیره ی نبوی، ص ۱۰ و ص ۴۷
- (۴) همان، ص ۱۱-۱۰
- (۵) یادنامه استاد، ۴۹۵/۱
- (۶) همان، ۴۹۵-۴۹۵/۱
- (۷) همان، ۴۹۷/۱
- (۸) همان، ۴۹۸-۵۰۲/۱
- (۹) عدل الهی ص ۱۴
- (۱۰) مجله حوزه، ش ۹۱
- (۱۱) سیری در سیره ی نبوی، ص ۳۱
- (۱۲) همان، ص ۲۸
- (۱۳) همان، ص ۳۲
- (۱۴) همان، ص ۳۳
- (۱۵) مجله حوزه، ش ۹۱، ص ۸۴
- (۱۶) مجله حوزه، ش ۹۱، ص ۸۵
- (۱۷) جلوه های مقلی استاد، ص ۲۸-۲۷
- (۱۸) انسان کامل، ص ۲۷۲-۲۷۱
- (۱۹) پاره ای از خورشید، ص ۱۰۸-۱۰۷ نیز بگردنجلوه های مقلی استاد، ص ۳۹، عهد مطهری، ص ۱۲۷